

چهارشنبه 11 مرداد 1396 - 9 ذی القعدة 1438 - 2 آگوست 2017

شهادت آیت الله "شیخ فضل الله نوری" به دست ایادی وابسته به استعمار در تهران (1288 ش)

**شهادت آیت الله "شیخ فضل الله نوری" به دست ایادی وابسته به استعمار در تهران (1288 ش)**

حاج شیخ فضل الله کجوری معروف به نوری فرزند ملاعباس در سوم دی ماه 1223 شمسی برابر با دوم ذیحجه 1259 قمری متولد گردید. پس از تحصیلات مقدماتی، به عراق رفت و از محضر درس میرزای بزرگ شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی استفاده کرد. شیخ فضل الله در طی سالیان متمادی حضور در درس استادان زمان، به مجتهدی برجسته و فقیهی نامدار تبدیل شد و پس از چندی در سال 1264 ق با اشاره میرزای شیرازی برای هدایت و پیشوایی جامعه ایران، راهی تهران گردید. وی در تهران به اقامه جماعت و تالیف و تدریس علوم اسلامی و حوزوی پرداخت و بر اثر مهارت در فقه و اصول و سایر علوم اسلامی به زودی مورد استقبال طلاب و روحانیون قرار گرفت. در این میان فضایی برجسته برای تربیت یافتند که حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، حاج آقا حسین قمی، میرزا ابوالقاسم کبیر قمی، علامه محمد قزوینی و... از آن جمله اند. او در کنار فعالیت علمی، به فعالیت های سیاسی هم می پرداخت و به شدت با تز جدایی دین از سیاست مخالفت ورزید. شیخ در اوایل مشروطیت از پیشگامان و مجاهدان این نهضت بود و دوشادوش سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی به مبارزه پرداخت. شیخ فضل الله نوری در جریان تدوین قانون اساسی پیشنهادهایی به مجلس داد. ذکر مذهب جعفری به عنوان مذهب رسمی کشور و اصل نظارت فقها بر قوانین مجلس شورای ملی از جمله این پیشنهادهای بود که مورد مخالفت نمایندگان قرار گرفت ولی از هوشیاری و شمر سیاسی او حکایت داشت. ولیکن پس از چندی پی برد که دست های پلید و پنهانی به قصد پایمال کردن خون ملی های ریخته شده در راه این نهضت پیدا شدند و مشروطه را نه به معنای حکومتی که مشروط به رعایت حدود و قوانین الهی باشد، بلکه به معنای رژیمی که مردم در مقابل آن مشروط به سکوت باشند و قوانین غربی در آن به اجرا درآید می خواهند. لذا مخالفت خویش را از مشروطه غیرمشروعه اعلام کرد و به تمام بلاد و ولایات تلگراف زد و مشروطه را حرام دانست. سرانجام جناح مقابل در یک دادگاه به ظاهر ملی او را محکوم به اعدام کردند. ایشان در برابر دعوت سفارت روس برای پناهندگی هرگز زیر بار این ذلت نرفت و شهادت در راه خدا را پذیرا شد. سرانجام شیخ فضل الله نوری را که خود از بنیانگذاران نهضت مشروطه در ایران بود، در 11 مرداد 1288 شمسی برابر با سیزدهم رجب 1327 ق، مصادف با سالروز ولادت امام علی (ع) به چوبه دار کشیده و در میدان توپخانه تهران به شهادت رساندند. پیکر شیخ در ابتدا پس از اهانت های فراوانی که به آن روا داشتند، توسط خانواده و دوستان در محل امنی در تهران مدفون شد، اما پس از گذشت 18 ماه، جنازه شیخ را به طور مخفیانه و در حالی که هنوز سالم و تازه بود به قم منتقل کردند و در یکی از حجره های شمالی صحن حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپردند.

تولد "حکیم ناصر خسرو قبادیانی" شاعر مشهور ایرانی (394 ق)

ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی در بلخ به دنیا آمد. وی از کودکی در محضر اساتید زمان خود، به تحصیل علم و دانش و حفظ قرآن پرداخت. ناصر خسرو علاوه بر ادبیات فارسی و عربی با بیشتر علوم زمان خود همچون حساب، هندسه، نجوم، طب، داروشناسی و الهیات نیز آشنا شد. ناصرخسرو در ابتدا شغل دبیری در دربار محمود و مسعود غزنوی داشت، اما پس از چندی بر اثر تحولی که در افکار و اندیشه های او پدید آمد از سیاست کناره گیری کرد و به تحقیق در اصول و عقاید مذاهب مختلف و سیر و سفر پرداخت. او در مسافرتی که به مکه و قاهره کرد، از خلیفه های فاطمی، مذهب اسماعیلی را پذیرفته و به ریاست اسماعیلیان خراسان برگزیده شد. ناصرخسرو با لقب "حُجَّتِ زمین خراسان" به ایران بازگشت، ولی از بیم دشمنان و متعصبان خراسان، به ناحیه های یزد و بختگان در افغانستان امروزی پناه برد و در همان جا بدرد حیات گفت. حاصل سفر هفت ساله های ناصرخسرو، کتاب سفرنامه است که از نظر تاریخی و جغرافیایی حایز اهمیت است. وی افکار و اعتقادات خود و همچنین حکمت ها و موعظه های بسیاری را در قالب آثار و اشعارش بیان کرده است. زاد المسافرین، خوان آخوان و وجه دین از دیگر آثار این شاعر بزرگ ایرانی است. خاصیت عمده های شعر ناصر خسرو، اشتغال آن بر موعظ و حکم بسیار است. همچنین جنبه های دعوت مذهبی او، به اشعارش رنگ دینی آشکاری داده است و ذهن علمی او نیز باعث شد که در بیان مقاصد خود، به شدت تحت تاثیر روش منطقیان قرار گیرد. حکیم ناصر خسرو قبادیانی، بی تردید یکی از شاعران بسیار توانا و سخن آور زبان فارسی است که دارای طبعی نیرومند و سخنی استوار و قوی و اسلوبی نادر و خاص خود می باشد.

مرگ "فیلد مارشال ژنل فن هیئین بورگ" رئیس جمهور پیشین آلمان (1934م)

فیلد مارشال پل فن هیندِن و بُورگ، سردار جنگی آلمان و رئیس جمهور پیشین این کشور در هفتم فوریه سال 1847م در پوزن آلمان به دنیا آمد. وی از جوانی وارد ارتش پروس شد و در جنگ و هایدن و بُورگ؛ های پروس با اتریش و فرانسه در نیمه دوم قرن نوزدهم به عنوان افسر جزء خدمت کرد و پس از آن که در سال 1896م به مقام مارشالی رسید، در سال 1911م بازنشسته گردید. با این حال، هیندِن و بُورگ در جریان جنگ جهانی اول به خدمت فراخوانده شد و فرماندهی ارتش هشتم آلمان را برعهده گرفت. وی با وجود شکست نهایی آلمان در این جنگ، در جبهه روسیه موفقیت و هایدن و بُورگ؛ های شایان توجهی به دست آورد. به طوری که فشار نظامی هیندِن و بُورگ بر قوای روسیه تزاری از عوامل موثر در فروپاشی حکومت آخرین تزار روس و به قدرت رسیدن کمونیست و هایدن و بُورگ؛ ها در این کشور بود. هیندِن و بُورگ پس از پایان جنگ، فرماندهی کل نیروهای مسلح آلمان را برعهده گرفت و در سال 1925م با وجود کهولت سن در 78 سالگی به ریاست جمهوری آلمان دست یافت. از این زمان، وضع آلمان رشد سریعی یافت و این کشور در شمار کشورهای مقتدر اروپا قرار گرفت. وی گرچه نخست با روی کار آمدن نازی و هایدن و بُورگ؛ ها مخالفت می کرد ولی به سبب پیروی از سیاست تعرضی و نظامی، رفته رفته به هیتلر علاقه و هایدن و بُورگ؛ مند شد و موجبات پیشرفت نازی و هایدن و بُورگ؛ ها را فراهم آورد. در نتیجه در سال 1932م، حزب نازی در پارلمان آلمان دارای کرسی و هایدن و بُورگ؛ های زیادی شد و رهبر آن، هیتلر در نتیجه نفاق میان مخالفانش قدرت فراوانی یافت. هیندِن و بُورگ در سال 1932م در 84 سالگی بر رقیب خود، آولف هیتلر پیروز گشت و برای بار دوم به ریاست جمهوری آلمان برگزیده شد. در این زمان بود که هیندِن و بُورگ؛ در 30 ژانویه 1933م علی و هایدن و بُورگ؛ رغم میل باطنی خود، حکم صدراعظمی هیتلر را امضا کرد. اما عمرش کفاف پایان رساندن این دوره را نداد و فیلد مارشال پل فن هیندِن و بُورگ سرانجام در دوم اوت 1934م در 86 سالگی درگذشت. با مرگ هیندِن و بُورگ؛ هیتلر با ادغام پست و هایدن و بُورگ؛ های ریاست جمهوری و صدراعظمی، به مقام پیشوایی آلمان رسید و رایش سوم را بنیان نهاد.